

گلری که از قضا در آن بازی  
دو گل هم خورد، اما سهم  
بیشتر اشتباه‌ها، به گردن  
بازیکن‌های خط دفاع ایران  
بود که سرعت خط‌حمله‌ی  
حریف آچمزشان کرده بود.  
گلری که اگر دو گل هم  
خورد، عوضش با مهارهای  
مصممش، تنها با یک دست؛  
دستِ راستِ استوارش، با  
حرکات آسوده‌خاطرش، با  
آدامس‌جویدن لاتیش، نور  
امید را در دل هواداران ایرانی  
روشن نگه داشت. می‌گفت  
اگر خدا یک‌بار دستِ چپش را  
به مارادونا داد تا آرژانتینی‌ها  
از خجالت انگلیسی‌ها  
دریابند، یک بار هم به ما  
ایرانی‌ها حال داد و دستِ  
راستش را بخشید به عابدزاده،  
تا حسابی از خجالت «هری  
کیول» و «مارک بوسنیچ»  
و «آئورلیو ویدمار» دریابیم  
و بعد از بیست سال به جام  
جهانی برویم. می‌گفت  
درست که دروازه‌ی استرالیا  
را گلِ تک‌به‌تکِ غزالِ تیز «پا»  
فرو ریخت، اما اگر خدا دستِ  
راستش را در دستِ راستِ  
احمد رضا نمی‌گذاشت،  
حماسه‌ی ملبورن رقم  
نمی‌خورد و دلِ یک ایران،  
هُری پایین می‌ریخت!

